

بررسی نقش و تأثیر دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل

خادم علی تهذیبی^۱

چکیده

با گسترش فرایند جهانی‌شدن و گذر از قدرت سخت‌افزاری و تأکید بر قدرت نرم انواع دیپلماسی‌های مختلفی در این زمینه مطرح شد که از جمله آنها می‌توان به دیپلماسی ورزشی اشاره نمود که این نوع از دیپلماسی تحت عنوان «دیپلماسی عمومی» قابل بررسی است، که در جهت بهبود روابط میان‌مدت و بلند مدت بین دولت‌ها از طریق تأثیرگذاری بر عموم مردم در خارج برای تحقق اهداف سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو مقاله حاضر که درصدد بررسی نقش و تأثیر دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل است. پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، به بررسی موضوع ورزش در قالب دیپلماسی ورزشی خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، سوالی که می‌توان مطرح نمود این است که دیپلماسی ورزشی چه تأثیری بر روابط بین‌الملل دارد؟ روش مورد استفاده تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که، دیپلماسی ورزشی زیرمجموعه دیپلماسی عمومی به حساب می‌آید که در آن دیپلماسی عمومی تحت قواعد ورزشی مبادرت به سیاستگذاری در راستای اشتراک‌گذاری هنجارها میان ملت‌ها عمل می‌کند که این امر همزمان می‌تواند باعث تسهیل همکاری، سبب تقویت تفاهم بین فرهنگی و زدودن غبار بیگانگی یا جدایی میان مردم و دولت‌ها می‌شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی ورزشی، روابط بین‌الملل، قدرت نرم

^۱ دکتری روابط بین‌الملل kh_ali_tahzibi@yahoo.com

مقدمه

در عصر حاضر، گشودن عرصه‌های جدید در مناسبات میان دولت و ملت‌ها و روی آوردن به شیوه‌ها و ابتکارات بدیع در روابط بین‌الملل از اهمیت خاصی برخوردار شده‌است. شکل‌گیری دیپلماسی عمومی در تداوم این جریان قرار دارد و سبب شده تا از آن بعنوان ابزاری کارآمد و قدرت‌آفرین در صحنه معادلات جهانی بهره گرفته شود و موجبات ارتقاء و توسعه سطح روابط بین دولت‌ها و رشد تفاهم ملت‌ها و تقویت پیوندهای منطقه‌ای و جهانی گردد. چنانکه دیپلماسی عمومی امروزه اهمیت بسزایی در تأمین منافع بلندمدت و امنیت ملی هر کشور داشته و سبب بهبود وجهه ملی، تأثیر و نفوذ در افکار عمومی و گسترش مبادلات و ارتباطات فرهنگی در کشورها شده‌است. از سوی دیگر، دیپلماسی عمومی در تقویت جایگاه جهانی (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۰) کشور-ملت‌ها بسیار مورد توجه است. بگونه‌ای که اگر دیپلماسی را «فن مدیریت تعامل با جهان خارج» توسط دولت‌ها بدانیم، ابزارها و سازوکارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان بکار گرفت. از آنجاکه ملاحظات «سیاسی»، «اقتصادی» و «امنیتی» بطور سنتی سه حوزه بنیادین در مباحث سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد؛ لذا در عرف نظام بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها با هدف تأمین منافع ملی کشور در سه حوزه پیش گفته طراحی و با سازوکارها و ابزارهایی از همین سه جنس عملیاتی و اجرایی می‌شود. با این همه، به باور بسیاری از صاحب‌نظران علم روابط بین‌الملل «ورزش و مناسبات ورزشی» رکن مهمی از سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری از مواقع لایه‌های زیرین سه حوزه دیگر نیز از آن منبعث می‌گردد بنابراین تعبیر مارکووینتس و رنسمن (۲۰۱۰) مبنی بر قرار گرفتن «جهان بعنوان بخشی از ورزش» هرچند در نگاه اول اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، اما به راستی می‌توان گفت که امروزه جامعه جهانی با ورزش پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد. ورزش بین‌الملل با سازوکارها و نهادهای بزرگ خود از جمله کمیته بین‌المللی المپیک (۲۱۱ عضو) و فیفا (۲۰۶ عضو) توانسته‌است حتی از سازمان ملل متحد (۱۹۳ عضو) نیز پیشی گرفته و موفقیت یک کشور در این رویدادها با اعتباری جهانی همراه باشد. مفهوم دیپلماسی ورزش بعنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی مورد توجه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و اقتصادهای نوظهور (بریکس) قرار گرفته‌است. تحلیلگران معتقدند همانگونه که دیپلمات‌ها برای تحقق منافع ملی به دور میز می‌نشینند، ورزشکاران نیز برای تقویت این منافع به دور پیست می‌دوند (فیض آبادی، ۱۳۹۸: ۱۲۸-۱۲۵). از این‌رو آنچه ضرورت و اهمیت مقاله را نشان می‌دهد این است که در دوره جدید قدرت نرم بسیار بیشتر از قدرت سخت‌افزاری دارای تأثیر و نفوذ می‌باشد این مسئله سبب شده‌است تا کشورها در روابط بین‌الملل با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم در گام اول از منافع ملی خود حفاظت نموده و در گام بعدی به ارتقای آن بربایند از این‌رو یکی از این ابزارها که می‌تواند در حفاظت و ارتقای سطح منافع ملی هر کشوری مثرتر واقع گردد دیپلماسی ورزشی است از این‌رو پرداختن به چگونگی تأثیرگذاری

این نوع از دیپلماسی در روابط بین‌الملل موضوعی حائز اهمیت فراوان است. بطور کلی مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به دیپلماسی ورزشی توجه داشته‌اند از جمله: شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: «مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب» به این نتیجه می‌رسد که کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده، ژاپن و استرالیا در کنار کشورهای دارای اقتصاد نوظهور (بریک) مانند روسیه و چین با ارائه برنامه‌های جامع و در قالب استفاده از ورزشکاران، مربیان، داوران و حتی شرکت‌های ورزشی به دنبال تحقق اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش هستند؛ حال آنکه تصمیم‌گیران سیاسی ایران به ورزش بعنوان پدیده‌ای تفریحی نگرسته و هنوز به علاقه‌مندی بجای ادراک از ظرفیت ورزش ایران در عرصه بین‌الملل بسنده کرده‌اند.

پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: «تبیین دیپلماسی ورزشی با استفاده از الگوی پارادایمی: مطالعه‌ای کیفی» به این نتیجه می‌رسد که برنامه‌محوری و شناخت دیپلماسی ورزشی پیامدهای عمده‌ای در توسعه جامعه‌شناسی سیاسی، سیاست خارجی و توسعه ورزش کشورها در ابعاد مختلف در برخواهد داشت.

جامی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان: «ورزش ابزاری کارآمد در دیپلماسی عمومی و تعاملات بین‌المللی» به این نتیجه می‌رسد که شیوه‌های متعددی که سیاستمداران و دولتمردان با بهره‌گیری از آن در عرصه بین‌المللی و جهانی جهت دستیابی به اهداف خود استفاده می‌نمایند می‌توان به کسب امتیاز برگزاری رویدادها ورزشی، کارنوال‌های بزرگ ورزشی، برگزاری اردوهای ورزشی، برنامه‌ریزی در ورزش‌های قهرمانی، برگزاری جشنواره‌ها و بزرگداشت‌ها اشاره نمود. شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان: «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا» نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که محور برندینگ و پرستیژ بین‌المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون‌رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه‌ای و توسعه قدرت هوشمندانه کدگذاری شدند که جمهوری اسلامی ایران تاکنون به دلیل نداشتن استراتژی واحد در زمینه دیپلماسی ورزش و دید «حیات خلوت» به ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است.

دوستی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: «تحلیل تماتیک دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل» به این نتایج می‌رسند که جریان‌های سیاسی، تبادل فرهنگی، تحول و ارتباطات تأثیر مستقیم و معناداری بر وحدت ملی دارد. معناداری جریان‌های سیاسی با عامل صلح‌سازی تأیید نشده است ولی وحدت ملی و عامل صلح‌سازی در دیپلماسی ورزش تأثیر مستقیم و معناداری بر توسعه اقتصادی جوامع دارد؛ لذا

بنظر می‌رسد تقویت وحدت ملی و نقش صلح‌ساز ورزش در جوامع می‌تواند به شکوفایی اقتصادی آنها کمک نماید.

بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم اهمیت ورزش و دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل شاهد انباشت مفاهیم در این زمینه نیستم هرچند مقالات متعددی یافت می‌شود اما در مقیاس با اهمیت موضوع به نظر می‌رسد اندک است علاوه بر آن نیز پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر جنبه روابط بین دولتی را بررسی کرده‌اند تا تاثیر دیپلماسی ورزشی بر روابط بین‌الملل موضوعی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

۱- چارچوب نظری: نظریه قدرت سخت و نرم

قدرت همچنان یکی از مفاهیم کلیدی در روابط بین‌الملل است (Morgenthau, 1948; Deutsch, 1967; Kissinger, 1994)، سال‌هاست که محققان رئالیست و نئورئالیست روابط بین‌ایالتی را از نظر کشورهایی که به دنبال قدرت هستند و می‌خواهند بر دیگر ایالات تسلط داشته باشند، می‌دیدند. در این مفهوم‌سازی، سیاست بین‌الملل کشمکش قدرت است، تمایل دارد فقط قدرت را از نظر توانایی (زمین، نظامی، ثروت و غیره)، و بیشتر در درگیری‌های مسلحانه اعمال می‌شود. در حالیکه قدرت بطور گسترده بعنوان توانایی تأثیرگذاری تعریف شده است، نای (۱۹۹۰) بعداً قدرت را به دسته‌های قدرت سخت و قدرت نرم تفکیک کرد. امروزه، قدرت سخت معمولاً به مداخلات نظامی یا پرداخت‌های اقتصادی یا تحریم‌ها اشاره دارد. با این حال، این تفسیر از قدرت قادر به پرداختن به جنبه‌های ظریف قدرت نیست، مانند تأثیر فرهنگ بطور کلی یا رویدادهای ورزشی بطور خاص، که در آن دولت‌ها می‌توانند از قدرت فرهنگی خود برای تأثیرگذاری بر تغییرات در سایر کشورها استفاده کنند. مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای مطرح می‌کند، او شیوه اعمال قدرت را از طریق ارزش‌های دموکراتیک، حقوق بشر و فرصت‌ها و سایر ارزش‌های اغواگرانه تشخیص می‌دهد (Nye, 1990).

اما قدرت نرم برخلاف قدرت سخت به هرگونه اقدام غیرخشونت‌آمیز، گفته می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود، که با الگوهای رفتاری موردنظر حاکم تعارض دارد (نائینی، ۱۳۸۹: ۶-۵). جوزف نای در کتاب خود تحت عنوان «قدرت نرم ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» به این موضوع اشاره می‌کند که قدرت نرم یک کشور در مقابل قدرت سخت قرار می‌گیرد و برخلاف قدرت سخت که بر اجبار و زور متکی است، بر اقناع تأکید دارد و درصدد جذب دیگران از طریق جذابیت است. در واقع قدرت نرم همان جذابیت کشور در نگاه دیگران است (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۰). از آنجا که قدرت نرم با بکارگیری ابزارهایی چون

فرهنگ، ایدئولوژی، آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع و یا رفتار دیگر کشورها و جوامع تأثیر می‌گذارد بنابراین موفقیت در کاربرد ابعاد نرم‌افزاری قدرت از سوی دولت‌ها باتوجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی هر منطقه و کشور متفاوت می‌باشد (بخشی، ۱۳۹۱: ۶-۲). مفروض قدرت نرم این است که بازیگران باید توانایی جذب سایرین به سوی دیدگاه خاص خود را که مشروع و معتبر تلقی می‌شود، داشته باشند. اگر بازیگری بتواند سایرین را به دیدگاه خود جذب کند نیاز به استفاده از منابع پرهزینه‌تر قدرت سخت کاهش خواهد یافت. در شرایط کنونی قدرت نرم حاصل ارائه اطلاعات و ایجاد جذابیت و در نتیجه از منابع قدرت یک کشور در عرصه بین‌المللی است. بنابراین، محورهای پارادایم‌های سیاسی جهان امروز در حال جابجایی از ژئوپلتیک و قدرت به سوی جهانی پسامدرن از تصویر و نفوذ است. قدرت در چنین وضعیتی تنها از زور و اجبار بر نمی‌خیزد بلکه به شکل فزاینده‌ای حاصل ارائه اطلاعات است (نای، ۱۳۸۶: ۷۲). این شیوه قدرت برپایه امتناع کردن دیگران برای پیروی یا موافقت با هنجارها و نهادهایی است که رفتار خواسته شده را تولید می‌کنند. این پیروی بیش از هر چیز منوط به درجه متقاعد کنندگی اطلاعات در دسترس و آزادی است که یک بازیگر در جستجوی آن برای انتقال است. شکل درونی موازنه نرم به توانمندی‌های داخلی شامل بسیج منابع داخلی و تلاش‌های سیاسی، اقتصادی یک کشور برمی‌گردد (نای، ۱۳۸۶: ۷۲). انسجام داخلی، وحدت ملی و رضایتمندی عمومی ارکان اصلی شکل درونی موازنه نرم را تشکیل می‌دهند و در حقیقت موازنه درونی پشتوانه موازنه نرم بیرونی است. به عبارت دیگر عمق استراتژیک هر کشور میزان اقتدار آن کشور را نشان می‌دهد و عمق استراتژیک هر کشور معدلی از موازنه نرم درونی و بیرونی است. موازنه نرم از سه منبع شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی نشأت می‌گیرد. بدین‌سان، می‌توان گفت موقعیت ایدئولوژیک، ارتباطات دیپلماتیک مطبوع و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ سیاست‌های استراتژیک مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، مبادلات دانشگاهی و آکادمیک و سرمایه‌گذاری در تربیت نخبگان سایر کشورها و ... (نای، ۱۳۸۳: ۶۴). عوامل ایجاد کننده یا تقویت کننده این نوع قدرت هستند. مضاف بر این، فعالیت‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی، برخورداری از اطلاعات زیاد و کارآمد، کسب جایگاه و موقعیت علمی پیشرفته و فن‌آوری‌های تکنولوژی، توانمندی اقتصادی بالا، مبادلات تجاری و اقتصادی گسترده در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، قدرت نظامی و تسلیحاتی، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، ظرفیت پذیرش توریسم و جذب مهاجر خارجی، برخورداری از شبکه‌های خبری جهان‌گستر و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به دیگر کشورها، نفوذ در رسانه‌های

بین‌المللی، التزام به رعایت معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، ایفای رسالت تاریخی متناسب با موقعیت جهانی و سطح انتظار در شرایط مختلف، برخورد مناسب و اتخاذ مواضع مقبول در برخورد با بحران‌های بین‌المللی، بهره‌گیری از سازمان‌ها و موسسات غیردولتی، نفوذ در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و ... مهم‌ترین مصادیق این شکل از قدرت محسوب می‌شوند (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۳). نیاز به گفتن نیست که در راستای دستیابی به اهداف فوق ابزارهای نیز ضروری و لازم است که می‌توان آنها را بدین شرح بیان نمود: (۱) همگرایی و پیوندهای فرهنگی، مذهبی، قومی و زبانی با سایر کشورها؛ (۲) ایجاد نمایندگی‌های سیاسی، کنسولی و فرهنگی در دیگر کشورهای جهان؛ (۳) تشکیل انجمن‌های دوستی و برگزاری هفته‌های فرهنگی در کشورهای مختلف جهت شناساندن ظرفیت‌های فرهنگی کشور و ایجاد تعامل با افکار عمومی در خارج؛ (۴) سفرهای خارجی مسئولین سیاسی و فرهنگی کشور به نقاط مختلف جهان؛ (۵) انتشار و توزیع روزنامه و ایجاد شبکه‌های خبری- رسانه‌ای به زبان‌های مختلف؛ (۶) برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو و همکاری‌های علمی؛ (۷) پذیرش مهاجران و تشویق به مسافرت‌های خارج از کشور جهت انتقال فرهنگ داخل به خارج؛ (۸) پذیرش توریست؛ (۹) ایجاد و تقویت موسسات فرهنگ‌شناسی و زبان‌شناسی کشور مبدأ در کشورهای هدف؛ (۱۰) تشویق به آموزش زبان‌های دیگر در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی جهت تعامل با دنیای خارج. علاوه بر این ابزارهای لازم، قابل اشاره است که فرهنگ نیز از جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری و افزایش منابع قدرت نرم برخوردار می‌باشد. اهمیت جایگاه فرهنگ در عرصه معادلات نوین جهانی تا بدانجا رسیده است که قدرت‌پژوهانی مانند جوزف نای این عنصر را در قلمرو منابع قدرت نرم گنجانده و ظرفیت‌های بسیار بالای آن را برای اعمال نفوذ و تحمیل اراده مورد توجه ویژه قرار داده‌اند. بنحویکه جوزف نای در هنگام بر شمردن منابع قدرت نرم در درجه اول از فرهنگ نام می‌برد.

توان ایالات متحده در قدرت نرم اغلب مورد توجه موضوعات گوناگون درباره قدرت نرم قرار گرفته است، اما مطالعه سایر کاربردهای قدرت نرم، مانند میزبانی رئیس جمهور پوتین از بازی‌های المپیک سوچی یا سازماندهی جام جهانی فوتبال برزیل، از نظر نای، قدرت نرم شکل دهنده قوی افکار عمومی خارجی است و گزینه ارزانتری نسبت به زور است. تعریف نای از منابع قدرت نرم شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی است. به همین ترتیب، ورزش بعنوان شکلی از قدرت نرم نقش مهمی می‌تواند داشته باشد. در سیستم بین‌المللی که بطور فزاینده‌ای به هم پیوسته است، کشورها سعی می‌کنند از دارایی‌های دیپلماتیک خود نهایت استفاده را ببرند. ورزش می‌تواند نقش مهمی در این روند داشته باشد، به دلیل محبوبیت جهانی و توانایی آن بعنوان نقاط مشترک بین ملت‌ها. این به میزبانان و مهمانان این امکان را می‌دهد تا به دلیل ماهیت بی‌حساسیت آن، در مورد موضوعی که هم دانش دارند و هم می‌توانند در مورد آن اختلاف نظر داشته باشند، با هم گفتگو کنند (Chalip, 2006: 2-9). محبوبیت رویدادهای ورزشی در کلاس جهانی می‌تواند آغاز

دیپلماسی چندجانبه را فراهم کند. از نظر ابزار سیاست خارجی، ورزش همچنین ابزاری برای استفاده از قدرت نرم است.

۲- درک روابط بین‌الملل

کشورها بطور روزمره با یکدیگر تعامل دارند و گفتگوهای مداوم درباره بسیاری از موضوعات دارند که شامل مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی است. چگونگی رسیدگی آنها به این موضوعات و انتخاب ابزار سیاست خارجی برای حل مشکلات یا چالش‌های احتمالی، به رهبران دولت‌ها بستگی دارد. بورس تحصیلی واقع‌گرایانه بیشتر بر توانایی‌های نظامی و اقتصادی، جغرافیا، منابع طبیعی، جمعیت و ثبات سیاسی و صلاحیت از نظر منابع قدرت متمرکز شده است. طبق جهان‌بینی رئالیست‌ها، انتظار می‌رود درگیری بین ملت‌ها اتفاق بیفتد، بنابراین اجرای ابزارهای جدید و همه‌کاره دیپلماتیک مانند دیپلماسی ورزشی اولین انتخاب آنها نیست. دانشمندان رئالیست بطور کلی استدلال می‌کنند که قدرت عمدتاً زور و قدرت نظامی است (Morgenthau, 1948; Kissinger, 1994). از طرف دیگر، نظریه‌پردازان لیبرال، جنبه‌های دیگر قدرت از جمله نفوذ را بررسی می‌کنند. رویکرد لیبرال بیش از واقع‌گرایان به تعامل دولت‌ها در دوره‌های صلح علاقه دارد. گرچه ممکن است قدرت در هنگام درگیری انتخاب آشکاری باشد، اما در زمان صلح می‌توان ابزارهای جدید دیپلماتیک زیادی را در نظر گرفت. لیبرال‌ها ابزارهای دیگری مانند دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی سایبری و دیپلماسی ورزشی و بورس تحصیلی را در نظر می‌گیرند. ولی در اینجا این نوشته بر کاربرد و ارزیابی یک ابزار خاص دیپلماتیک، یعنی دیپلماسی ورزشی متمرکز است.

۳۱

داستان‌های موفقیت دیپلماتیک گرچه از اهمیت بسیاری برخوردار هستند، اما معمولاً به اندازه پیروزی‌های نظامی قابل توجه نیستند. یکی از مشهورترین دستاوردهای دیپلماسی، طرح مارشال است. این بسته اقتصادی با بودجه ایالات متحده شروع به بهبود اقتصادی اروپا پس از جنگ جهانی دوم کرد. این برنامه نه تنها حسن‌نیت ایالات متحده را به دشمنان سابق مانند آلمان و ایتالیا نشان داد، بلکه به تقویت اتحادهای سیاسی در طول جنگ سرد نیز کمک کرد. پس از جنگ سرد، دیپلماسی در نظم جدید بین‌المللی اهمیت بیشتری پیدا کرد. با ادغام دولت‌های جدید و قدرت‌های جدید، نقش دیپلماسی و ارتباطات بارزتر شد. انقلاب مخملی در چکسلواکی سابق، با استفاده از راه‌حل‌های دیپلماتیک برای حل مسائل بین‌دولتی، پیروزی بزرگ دیگری بود. هنگامی که در سال ۱۹۸۹ چکسلواکی سابق با تحولات داخلی در مورد استقلال اسلواکی روبرو شد، دیپلماسی توانست درگیری‌ها را بدون خونریزی حل کند. در نتیجه، چکسلواکی بدون استفاده از زور به دو کشور مستقل جدا شد. سرانجام، یک نمونه موفق اخیر از استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، سفر رئیس‌جمهور

سابق کلینتون به کره شمالی در سال ۲۰۰۹ است. هدف او بازگشت گروگان‌های آمریکایی به ایالات متحده بود، فقط با استفاده از نفوذ سیاسی شخصی خود برای جلوگیری از هرگونه تقابل کره شمالی و ایالات متحده این کار را انجام داد. این مثال قدرت دیپلماتیک یک فرد کاملاً واجد شرایط و شناخته شده را نشان می‌دهد. بازگشت موفقیت‌آمیز روزنامه‌نگاران آمریکایی نیز یک حرکت بزرگ دیپلماتیک بود زیرا وزارت امور خارجه از راه دور فقط درگیر مبادله بود. این حادثه کانال‌های رسمی دو کشور را که در آن زمان روابط دیپلماتیک نداشتند تحرک بخشید.

همانطور که مثال‌های فوق نشان داد، دیپلماسی از طریق ابزارهای مختلف، از جمله مذاکرات رسمی و تبادلات فرهنگی، خود را نشان می‌دهد. در این مبادلات فرهنگی، ورزش به دلیل محبوبیت جهانی و ویژگی همگن می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. قدرت نرم ساختاری است که در یک دهه گذشته توسط دانشمندان علوم سیاسی مطرح شده است و ورزش در این گروه قرار می‌گیرد. اهداف مختلفی که دولت‌ها می‌توانند با استفاده از ورزش به دست آورند.

۳- دیپلماسی و اهمیت آن

دیپلماسی مدرن را می‌توان در دولت - شهرهای ایتالیا در گذشته ردیابی کرد. هدف دیپلماسی ایجاد نمایندگی و ایجاد کانال ارتباطی بین پادشاه و دولت‌های شهر بود. از آن دوره، کانال‌های ارتباطی تحت سلطه زبان‌های اروپای غربی، ابتدا فرانسوی، و بعداً انگلیسی است. امروزه، فناوری مدرن امکان ترجمه فوری در جلسات بین‌المللی را فراهم می‌کند. هنگامی که دولت‌های ملی به نهادهای سیاسی مسلط در جهان تبدیل شدند، مفهوم وستفالیایی از دولت‌های مستقل (اصل اساسی در حقوق بین‌الملل که حاکمیت با هر کشور ملی است) به اهمیت استفاده از دیپلماسی افزود. حاکمیت به نمادی از برابری در بین کشورها تبدیل شد، کشورهایی که از دیپلماسی برای برقراری ارتباط بین کشورهای حاکم برابر استفاده می‌کردند.

دیپلماسی «مدیریت روابط بین‌الملل از طریق مذاکره است. روشی که توسط آن سفیران و نمایندگان تنظیم می‌شوند. تجارت یا هنر دیپلماتیست». تعریفی کوتاه‌تر و فعلی‌تر، دیدگاه مبهم‌تری را در مورد دیپلماسی فراهم می‌کند: «گفتگوی بین دولت‌ها». این تعریف اخیر عوامل مربوط به روند دیپلماسی را تعریف نمی‌کند و همچنین نقش آژانس‌های غیردولتی را تأیید نمی‌کند. بنابراین دیپلماسی ابزار اصلی برای اجرای سیاست خارجی ملی در زمان صلح است و همچنین ابزاری است که می‌تواند برای برقراری ارتباط در هنگام درگیری استفاده شود. ویژگی‌های اصلی دیپلماسی ارتباطات و نمایندگی بوده است. مدت‌هاست که دیپلماسی بعنوان اولین گام برای جلوگیری و یا حل اختلافات ایجاد شده است. علاوه بر این، به مذاکرات کمک می‌کند. از شهروندان و سایر منافع خارج از کشور محافظت می‌کند. تبادلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی بین

دولت‌ها را ارتقا می‌بخشد. و تصمیمات سیاست خارجی را مدیریت می‌کند. دیپلماسی بطور سنتی شامل تماس دولت با دولت است، اما کانال‌های دیگری برای برقراری ارتباط منافع ملی و تأثیرگذاری بر سایر کشورها وجود دارد. پس از شناسایی رسمی دیپلماتیک بین دولت‌ها، گفتگو معمولاً از طریق کانال‌های دیگر دیپلماسی، مانند برنامه‌های تبادل آموزشی، کنسرت یا سایر رویدادهای فرهنگی، ادامه می‌یابد. به دلیل پیشرفت‌های فن‌آوری که منجر به حمل و نقل و ارتباطات ارزان و آسان شده است، جهان بطور فزاینده‌ای به هم پیوسته است و اکنون ابزارهای جدید بسیاری برای دیپلمات‌ها در دسترس است. مذاکرات دوجانبه و نشست‌های اجلاس رویکردهای سنتی برای حل مسائل بین‌المللی بوده است، اما در قرن ۲۰، ابزارهای ارتباطی دیپلماتیک جدیدی مانند دیپلماسی عمومی (Cull, 2018: 31-54). دیپلماسی فرهنگی و فضای سایبری ظهور کرده است (Potter, 2020). از ابتدای قرن بیستم، نحوه انجام دیپلماسی و بازیگران آن به میزان قابل توجهی تغییر کرده است. دیپلماسی مدرن از روش سنتی ارتباط دیپلمات‌ها با ترجیحات دولت خود در اجلاس‌ها یا در مذاکرات چندجانبه، به فعالیت از طریق کانال‌ها و بازیگران جدید رسیده است. دولت حتی ممکن است در این مبادلات شرکت نکند، اما در عوض یک ورزشکار، هنرمند یا دانشمند موسسات چندجانبه مانند سازمان ملل متحد یا کمیته بین‌المللی المپیک، شرکت‌های جهانی مانند اپل یا نایک و افرادی مانند ورزشکاران یا بازیگران مشهور اکنون می‌توانند نماینده ایالت‌های خود باشند. این نوع جدید نمایندگی دیپلماتیک می‌تواند نتایج مثبت و منفی داشته باشد. گرچه مجوز دیگری برای کار به دولت‌ها می‌دهد، اما می‌تواند منافع شرکتی یک ملت را بر منافع سیاسی آن در اولویت قرار دهد، در حالیکه این دو با یکدیگر در تضاد هستند. علاوه بر این، مکان سنتی دیپلماسی نیز به سمت مجامع اقتصادی یا فرهنگی یا رویدادهای ورزشی بین‌المللی مانند المپیک حرکت کرده است. در حالیکه هنوز در مورد این نوع جدید از بازیگران و مکان‌های دیپلماتیک اختلاف نظر علمی وجود دارد، باید به تغییر روش‌های سنتی توجه کرد. می‌تواند منافع کشور را در رویدادهای مختلف نمایندگی کند.

در حالیکه حاکمیت در مذاکرات بین‌المللی و به رسمیت شناختن دیپلماتیک مهم باقی مانده است، اما این دیگر به این معنی نیست که فقط دیپلمات‌های رسمی می‌توانند بعنوان نماینده منافع و فرهنگ یک ملت عمل کنند (Pigman, 2010). در واقع، در قرن ۲۱ دیپلماسی بیشتر غیردولتی است بازیگرانی مانند افراد، تیم‌ها و حتی شرکت‌ها می‌توانند بعنوان نماینده ملت خود عمل کنند. این دلیل دیگری است که امروز حتی تیم‌های ورزشی یا افراد دیگر می‌توانند پیام‌رسان پیام‌های دیپلماتیک کشور خود شوند. هنرمندان یا ورزشکاران مشهور می‌توانند مانند پلی بین ملت‌ها عمل کنند و می‌توانند از طریق دیپلماسی فرهنگی و ورزشی به حل مسائل ملی کمک کنند. این اسناد دیپلماتیک کمتر شناخته شده بعنوان نمونه‌های خوبی از

چگونگی تأثیر دولت‌ها بر سایر کشورها بطور غیرمستقیم است. در حالیکه ورزشکاران معمولاً مستقیماً در مذاکرات شرکت نمی‌کنند، این رویداد ورزشی مکانی عالی برای دیدار و گفتگو در مورد سران کشورها و دیپلمات‌ها است. این تأثیر مبتنی بر جذب کشورها را قدرت نرم نیز می‌نامند.

۴- دیپلماسی ورزشی و اهمیت آن در روابط بین‌الملل

رویدادهای ورزشی بین‌المللی با ارتقا تفاهم و همکاری بین فرهنگی، در میان مردم و دولت‌هایشان واسطه‌گری می‌کنند. استفاده از المپیک برای بهبود چهره یک کشور در خارج از کشور یا بهبود روابط بین کشورها مفید هست زیرا از طریق عشق به ورزش می‌توان به تماشاگران و سیاستمداران نخبه دولت‌ها دسترسی پیدا کرد. در نتیجه، رویدادهای ورزشی بین‌المللی همچنین می‌توانند روابط را از دو طرف و چندجانبه بهبود بخشند (Chalip, 2006: 3-12).

در طول جنگ سرد، از مسابقات ورزشی دوجانبه بطور مکرر برای افزایش ارتباط بین کشورهای متخاصم استفاده شد. بعنوان مثال، دیپلماسی پینگ پنگ، بین چین و ایالات متحده به دو کشور در اواسط جنگ سرد اجازه داد که گفتگو را در یک فضای سیاسی از هم گسیخته از سر بگیرند. اقدام دیپلماتیک رئیس‌جمهور نیکسون روابط با چین را گشود، که منجر به بهبود روابط دوجانبه بین دو ملت در دهه‌های آینده شد. دیپلماسی کریکت بین هند و پاکستان نمونه دیگری از موفقیت دیپلماسی ورزشی را ارائه داد. پس از حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۸۷، ژنرال ضیا الحق، رئیس‌جمهور وقت پاکستان، در یک مسابقه کریکت آزمایشی بین هند و پاکستان در جیپور شرکت کرد - دیداری که ظاهراً به آرام شدن تنش‌های ناشی از فشار خصومت متقابل نیم قرن دو طرف بود، هر دو طرف مقررات سخت ویزای خود را برای یکدیگر راحت کردند و به هزاران هوادار اجازه دادند از مرز عبور کنند.

از نظر دیپلماسی ورزشی، این واقعیت که سازمان‌های بین‌المللی بعنوان سازمان دهنده اصلی رویدادها عمل می‌کنند نیز از نظر دیپلماتیک وضعیت راحتی ایجاد می‌کند که در آن یک سازمان مدنی شخص ثالث می‌تواند بعنوان میزبان بیطرف و واسطه بین طرفین عمل کند. یکی از برجسته‌ترین سازمان‌های ورزشی بین‌المللی کمیته بین‌المللی المپیک هستند که بازی‌های مدرن المپیک را برگزار می‌کنند. فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)، بزرگترین، شناخته شده‌ترین رویداد ورزشی جهانی، جام جهانی فوتبال را برگزار می‌کند. و فدراسیون بین‌المللی تنیس، که شامل ۲۰۵ فدراسیون ملی تنیس است. با سازماندهی رویدادها و همچنین تحریم و تسهیل مسابقات به دیپلماسی ورزشی کمک می‌کند. در هر دو بورس تحصیلی روابط بین‌الملل و دیپلماسی ورزشی ذکر شده است که نهادهای بین‌المللی می‌توانند بعنوان وسیله‌ای برای تقسیم هنجارها در بین کشورها عمل کنند، که می‌تواند همکاری بین کشورها را تسهیل کند.

نقش رویدادهای ورزشی بین‌المللی اخیراً پیچیده‌تر شده است زیرا اکنون به یک تجارت جهانی بسیار سودآور تبدیل شده است. از طریق حامیان مالی، قراردادهای دولتی و خصوصی و گردشگری، این رویدادها می‌تواند درآمد زیادی را هم برای دولت و هم برای مشاغل خصوصی کسب کند. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که چگونه بازیگران و مکان‌های جدید دیپلماتیک می‌توانند نقش مهمی در انجام دیپلماسی داشته باشند. این نمونه‌ها همچنین برخی از اقدامات موفق و ناموفق دیپلماسی چندجانبه را از طریق رویدادهای ورزشی نشان می‌دهد.

۵- چگونگی تأثیرات دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل

در این قسمت به بررسی پیامدهای مثبت و منفی دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل پرداخته می‌شود.

۱) ورزش یک دلیل و مکان غیررسمی را برای دیدار و آغاز گفتگو با رهبران بین‌المللی فراهم می‌کند. سهم دیپلماتیک بالقوه از رویدادهای ورزشی بین‌المللی می‌تواند چندین برابر باشد. آنها می‌توانند بعنوان یک ارتباط عمومی با جامعه بین‌المللی عمل کنند یا روابط بین دو کشور خاص را تقویت کنند، یکی میزبان آن است مانند ورزش برای امید در هائیتی، ورزش بعنوان یک استراتژی سیاسی در روابط دو کره، یا دیپلماسی کشتی بین ایالات متحده و ایران. با استفاده از محبوبیت عمومی ورزش، رویدادهای ورزشی می‌تواند بهانه‌های بزرگی برای جلسات غیررسمی رهبران باشد، و مسابقات بزرگ ورزشی می‌تواند دیپلماسی گسترده‌ای را فراهم کند که در آن بسیاری از رهبران سیاسی می‌توانند با یکدیگر دیدار کنند. جلسات رسمی و اجلاس سران زیادی برای دیپلمات‌ها و سران کشورها برگزار می‌شود، اما تعداد کمی از آنها به اندازه رویدادهای ورزشی مطلوب و سرگرم کننده هستند - و نه به همان اندازه مورد توجه رسانه‌ها هستند. بسیاری از سران کشورها ضمن لذت بردن از عملکرد نخبگان، از جمله بازیکنان ملت‌های خود، از این فرصت استفاده می‌کنند تا احزاب دیگر را در بحث‌های غیررسمی در مورد مسائل درگیر کنند.

در حالیکه رویدادهای ورزشی عظیم مکان‌های خوبی را برای جلسات چندجانبه فراهم می‌کند، گاهی اوقات سران کشورها به رویدادی نیاز دارند که بطور خاص برای حل و فصل مسائل بین دو دولت طراحی شده باشد. دیپلماسی پینگ پنگ یک مثال عالی در استفاده از یک رویداد ورزشی برای شروع گفتگوی سیاسی بین دو کشور در دو طرف مخالف در طول جنگ سرد بود، همانطور که نیکسون با سفر به چین در سال ۱۹۷۲ انجام داد. حضور در یک رویداد ورزشی دو جانبه به نمایندگان دو کشور کمک می‌کند تا در مورد مسائل در حالی که لذت بردن از رقابت هستند بحث و گفتگو کنند. در سال ۱۹۷۲، تصمیم نیکسون برای دیدار از چین به بایکوت طولانی مدت چین در آمریکا پایان داد و هم یک رویداد مهم در دیپلماسی مدرن بود و هم یک حرکت هوشمند استراتژیک. این حرکت سبب شد چین از حمایت شوروی دست بردارد و آمریکا توانست

فشار خارجی را بر اتحاد جماهیر شوروی افزایش دهد، خروج ایالات متحده از درگیری ویتنام را تسهیل کرد و همکاری‌های بعدی چین و آمریکا را پایه‌گذاری کرد (Kissinger, 1994). کره جنوبی نمونه دیگری از استفاده از یک رویداد ورزشی بزرگ بعنوان ابزاری موفق در روابط بین‌الملل خود را ارائه می‌دهد. آنها با موفقیت از المپیک تابستانی ۱۹۸۸ در سئول بعنوان ابزاری برای بهبود روابط خود با اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی استفاده کردند و توانستند با موفقیت از تحریم این المپیک در حمایت از کره شمالی جلوگیری کنند.

با این وجود، نباید این فضاهای جلسات را بصورت انحصاری مثبت قلمداد کرد، زیرا چنین اتفاقاتی همچنین می‌تواند یک رژیم نامشروع را قانونی جلوه دهد درحالیکه پاسخ کوبنده‌ای در قبال اقدامات آن لازم باشد. خانواده سلطنتی و نخست وزیر هلند در سال ۲۰۱۴ به دلیل شرکت در مراسم افتتاحیه بازی‌های المپیک زمستانی سوچی در روسیه مورد انتقاد شدید قرار گرفتند، در حالیکه سایر سران کشورهای خارجی در اعتراض به نقض حقوق مدنی علیه جامعه LGBT در روسیه به این کشور نرفتند (Pinedo & Versteegh, 2014). رسانه‌های هلندی سفر این هیأت را مشروعیت دادن به دولت روسیه دانستند.

۲) ورزش، بینش مثبت در مورد کشور میزبان را فراهم می‌کند و نظر دیگران را در این مورد به سود کشور میزبان تغییر می‌دهد. ۳۶

نه فقط سران کشورها، بلکه بسیاری از مردم، می‌خواهند از رویدادهای بزرگ ورزشی لذت ببرند و به میزبانی کشور خود افتخار می‌کنند. از سال ۱۹۳۶، زمانی که بازی‌های تابستانی برای اولین بار در ۴۱ کشور پخش شد، کشورهای میزبان تلاش‌های زیادی برای زیباسازی کشورهای خود صورت دارند تا تصویری مثبت ارائه دهند و با پیشرفت فناوری، میلیاردها نفر می‌توانند این مسابقات ورزشی را از طریق تلویزیون یا با استفاده از دستگاه‌های مختلف تماشا کنند. این نمای از مسابقات همچنین اطلاعاتی در مورد شهرهای میزبان از جمله زیرساخت‌ها، جاذبه‌های گردشگری و فرهنگ فراهم می‌کند. بنابراین، این بازی‌ها مکانی برای دیدار رهبران گروهی از کشورها با سایر رهبران گروه دیگری از کشورها فراهم می‌سازد.

امروز، میلیاردها نفر می‌توانند سیاست داخلی و ایدئولوژی سیاسی یک کشور میزبان را ببینند. رویدادهای عظیم مانند المپیک در سراسر جهان، نه تنها از ایستگاه‌های تلویزیونی رسمی پخش می‌شوند بلکه از طریق یوتیوب و سایر رسانه‌های اجتماعی نیز پخش می‌شوند. آموزش مردم در مورد مناظر و منابع زیبای یک کشور می‌تواند از بسیاری جهات به نفع کشورهای میزبان باشد، گردشگری، سرمایه‌گذاری خارجی و دانشجویان خارجی را تشویق کند. گسترش ایدئولوژی سیاسی دولت میزبان می‌تواند هم بر جامعه خارجی و هم بر

رهبران تأثیر بگذارد. البته برعکس هم می‌توان از این رویدادهای ورزشی برای گمراه کردن مخاطبان بین‌المللی در مورد اهداف یک رژیم خاص استفاده کرد.

در حالیکه رویدادهای ورزشی می‌توانند مردم دنیا را از نکات مثبت یک مقصد آگاه کنند، اما آنها می‌توانند نکات منفی را نیز به مردم اطلاع دهند، زیرا ایالت‌ها به ندرت قادر به کنترل کامل درآوردن رسانه‌ها در اطراف رویدادها هستند (Giffard & Rivenburgh, 2000: 21). گروه‌های معترض قدرت این حوادث را در انتقال پیام خود به رسانه‌ها درک کرده‌اند و بسیاری توجه رسانه‌ها را به جنبه‌های منفی کشور میزبان معطوف کرده‌اند، از جمله مسائل زیست محیطی، حقوق بشر، استانداردهای بهداشتی، نرخ حاملان ویروس اچ‌آی‌وی یا مشکلات خاص مانند اختلافات داخلی چین با تبت در آستانه بازی‌های المپیک پکن، نابرابری اقتصادی در آفریقای جنوبی و آلودگی آب در برزیل. بعلاوه، فرصت میزبانی از این رویدادهای عظیم دیگر بی‌چون و چرای نیست و هزینه‌های گزاف و بسیاری از اتهامات مربوط به فساد مالی علیه فدراسیون‌هایی مانند FIFA و IOC باعث شده است که مردم دنیا بسیار منتقد باشند. در نتیجه، ملت‌ها باید به دقت در مورد چگونگی معرفی خود از طریق رسانه‌های بین‌المللی بیندیشند و بفهمند که این رویدادهای ورزشی می‌تواند یک ملت را به روش‌های منفی و مثبت معرفی کند.

۳۷

۳) استفاده از دیپلماسی ورزش برای از بین بردن اختلافات فرهنگی و زبانی بین ملت‌ها از طریق ورزش رویدادهای ورزشی ویژگی خاص دیگری دارند. از آنجا که بیشتر افرادی که یک مسابقه را تماشا می‌کنند از قبل قوانین را می‌دانند، این رویدادها بین جزیره‌های فرهنگی و زبانی گوناگونی که ممکن است بین کشور میزبان و تماشاگران وجود داشته باشد پل ارتباطی می‌زند. مهم نیست که کشور میزبان روسیه، چین یا برزیل باشد، میلیون‌ها نفر از طرفداران ورزش با وجود زبان استفاده شده در پخش، ورزشکاران مورد علاقه خود را تشویق می‌کنند. روش‌های مختلفی برای استفاده از تأثیرات رویدادهای ورزشی وجود دارد، و همچنین می‌تواند در مقیاس بسیار کمتری برای اهداف دیپلماتیک مورد استفاده قرار گیرد. از تیم‌های ورزشی و همچنین تک‌تک ورزشکاران می‌توان برای آموزش مردم به کشورها و همچنین درک متقابل از فرهنگ‌های مختلف استفاده کرد.

یک نمونه اخیر از رئیس دولت که عمده‌اً از یک رویداد ورزشی برای گردهم آوردن دو ملت مختلف استفاده کرده است سفر رئیس جمهور اوپاما در سال ۲۰۱۶ به کوبا است. رئیس جمهور ایالات متحده در طول سفر خود نه تنها مشکلات میان دو کشور را به صورت دیپلماتیک حل کرد، بلکه با حضور در یک بازی بیس بال، گام مهمی در جهت پل زدن اختلافات عقیدتی و سیاسی بین کوبا و ایالات متحده برداشت و اشتیاق مشترک کوبایی‌ها را به این کشور یادآوری کرد.

۴) از ورزش می‌توان برای ایجاد بستری برای قوانین جدید یا توافق‌نامه‌های تجاری استفاده کرد. رویدادهای ورزشی همچنین تصویر خوبی از نقشی که ورزش می‌تواند در رابطه با قوانین یا موافقت‌نامه‌های تجاری داشته باشد، ارائه می‌دهد. فدراسیون‌های بین‌المللی، بویژه FIFA و IOC، ضمانت‌های خاصی در رابطه با میزبانی رویدادهای خود دارند و نیاز به تأیید دولت‌ها دارند. تأثیرگذارترین تضمین مربوط به دیپلماسی، شرایط ویزا است که این سازمان‌ها به میزبان خود تحمیل می‌کنند. به منظور جلوگیری از اینکه میزبان‌ها، ملت‌های خاصی را از رویدادهای خود حذف کنند (بعنوان مثال چین و تایوان، ایالات متحده و ایران)، کشور میزبان مجاز به گرفتن ویزا از هرکسی که با این رویداد در ارتباط باشد، نیست. برای مثال، وقتی هلند برای جام جهانی فیفا ۲۰۱۸ پیشنهاد داد، آنها باید ضمانت زیر را ارائه دهند در پیشنهاد خود: هلند، به نمایندگی از طرف دولت خود، به منظور ورود و خروج از هلند، و برای یک دوره از تاریخ این ضمانت و پایان دادن به (۳۱ دسامبر ۲۰۱۸ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲)، ویزاهای ورود و مجوزهای خروج بدون قید و شرط و بدون محدودیت صادر می‌شود و در صورت عدم‌نیاز به صدور ویزا یا مجوزهای رسمی، حق ورود و خروج از هلند بدون قیدوشرط و بدون محدودیت صادر می‌شود، و فارغ از ملیت، نژاد و عقیده (Heere, 2012).

هنگامی که از کره و ژاپن خواسته شد میزبان جام جهانی فیفا ۲۰۰۲ باشند، دو کشور از این رویداد برای شروع گفتگو و بهبود روابط مشکل‌ساز تاریخی خود استفاده کردند. با این حال، سازماندهی این رویداد خود نمادی از رابطه مشکل‌ساز بین دو ملت شد و دو ملت علناً در مورد نام مسابقات و مکان مسابقات مهم (بازی افتتاحیه، نیمه‌نهایی و نهایی) تلاش زیادی برای اینکه هر کدام می‌خواستند در کشور خود برگزار شوند، جنگیدند) با این وجود، این رویداد امکان ایجاد روابط دوجانبه مستحکم‌تر بین دو ملت را فراهم کرد. مهمترین تغییرات ناشی از توافق‌نامه‌های دوجانبه بین دو کشور بود. مقررات ویزا برای بازدید کنندگان از کشور دیگر سهل شد و مجامع اقتصادی و نشست‌های مختلف در سال‌های پیرامون جام جهانی برگزار شد. در سال ۲۰۰۴، سیستم اطلاعات کره در خارج از کشور گزارش داد که این رویداد باعث افزایش گفتگوی سیاسی بین کره جنوبی و ژاپن بعنوان نتیجه مستقیم میزبانی مشترک این رویداد شده است (Heere et.al, 2012). رویدادهای بزرگ ورزشی همچنین با افزایش شدید توافقات تجاری بین میزبان و سایر کشورهای جهان همراه است. ورز و اسپینگل استدلال کردند که میزبانی یک رویداد عظیم مانند المپیک به سایر نقاط جهان نشان می‌دهد که این کشور آماده "برای تجارت آزاد است"، و آنها گزارش می‌دهند صادرات و واردات در کشورهایی که میزبان این بازی‌ها بوده‌اند، مربوط به موافقت‌نامه‌های تجاری است که ملت‌ها قادر به بستن قبل، حین و بلافاصله بعد از واقعه هستند (Rose & Spiegel, 2011).

۵) از ورزش می‌توان برای ایجاد آگاهی برای روابط بین‌الملل از طریق سفرای ورزشی استفاده کرد. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، تیم‌های ورزشی، مسابقات و حتی تک‌تک ورزشکاران می‌توانند سفیر ورزش شوند و چهره‌ای به ملت‌ها ارائه دهند. یک مزیت رویدادهای ورزشی و ورزشکاران منفرد نسبت به دیپلمات‌ها و سیاستمداران رسمی این است که می‌توان مذاکرات ورزشکاران را کمتر تحت هدایت دولت دید و بیشتر آزاد و خودجوش برگزار می‌شود. در یک فضای بین‌المللی که دولت‌ها به دلیل اعمال کنترل بیش از حد با انتقاد روبرو می‌شوند، ورزش اجازه می‌دهد دیپلماسی نه تنها با محدودیت کمتری برای وقوع ایجاد شود، بلکه می‌تواند با طراوت و استقبال نیز همراه باشد. همچنین، موقعیت افراد بعنوان سفیرانی که به دولت‌های خود وابسته نیستند و می‌توانند از طریق موفقیت‌های ورزشی خود صحبت کنند، می‌تواند شروع جدیدی را برای روابط بین‌الملت‌ها ایجاد کند که ممکن است قبلاً به دلیل مشکلات و بی‌اعتمادی پیچیده میان آنها امکان مذاکره میسر نبوده باشد. در حالیکه بسیاری از مردم به سیاستمداران بی‌اعتماد هستند، ورزشکاران معمولاً مورد پسند و تحسین قرار می‌گیرند و می‌توانند همدلی فرهنگی را در بین مردم ایجاد کنند. آنها چهره‌های دوستانه و مثبت برای یک ملت فراهم می‌کنند. تماشای عملکرد ورزشکاران کلاس جهانی یکی از فعالیت‌های مورد علاقه رهبران سیاسی و همچنین اکثر مردم عادی بوده است. بسیاری از ورزشکاران سابق پس از پایان دوره ورزشی خود شغل سیاسی خود را انتخاب کرده‌اند و از افراد مشهور خود برای ایجاد روابط جدید استفاده کرده‌اند. بعنوان مثال، پس از حرفه بسکتبال، بیل بردلی سناتور ایالات متحده شد و در سال ۱۹۹۲ حامی لایحه‌ای به نام قانون حمایت از آزادی بود که امکان تبادل بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده را فراهم می‌کرد (Cox, 2007). ورزشکاران پیشین مانند پله، جورج وها، عمران خان، و مانی پاکیانو همگی در کشورهای خود سیاستمدار شده‌اند تا سیاست‌های داخلی و خارجی را شکل دهند. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد نیز قدرت ورزشکاران را در ایجاد روابط بین‌الملل درک کرده بسیاری از ورزشکاران بعنوان سفیر این نهاد در رویدادهای گوناگون شرکت کرده‌اند: ماریا شاراپووا، مارتا، دیدیه دروگبا، شفچنکو ... و لیست ادامه دارد.

سفیران لزوماً نباید از ورزشکاران مشهور باشند. یک نمونه عالی از دیپلماسی عمومی، دفتر امور فرهنگی و آموزشی وزارت امور خارجه ایالات متحده (BECA) است. این دفتر برنامه‌های زیادی دارد که یکی از آنها Sports United است که ورزشکاران آمریکایی را به مأموریت‌های تبادل فرهنگی بین‌المللی می‌فرستد و ورزشکاران خارجی را برای کلینیک‌ها و بازی‌های نمایشگاهی به آمریکا می‌آورد.

اتحادیه ورزش‌ها Sports United یک ابتکار برنامه‌نویسی ورزشی بین‌المللی است که برای کمک به آغاز گفتگو در سطح پایه با جوانان غیرنخبه طراحی شده است. این برنامه‌ها به جوانان کمک می‌کند تا دریابند

که چگونه موفقیت در رشته‌های ورزشی می‌تواند به رشد مهارت‌های زندگی و موفقیت در کلاس جهانی تبدیل شود.

علاوه بر این، ورزشکاران حرفه‌ای می‌توانند اختلافات فرهنگی را از بین ببرند زیرا از تحسین جهانی برخوردار هستند. ورزشکارانی مانند یائو مینگ (چین)، ولاده دیواک (یوگسلاوی/ صربستان)، جورج وه (لیبریا) و کتی فریمن (جمعیت بومی استرالیا) چهره یک ملت یا یک گروه قومی را که مردم شناخت کمی از آنها دارند، نشان داده‌اند و بدین ترتیب سبب افزایش دانش و درک برای کسانی که خارج از فرهنگ خاص خود هستند شده‌اند.

ورزش همچنین می‌تواند عکس این عمل را انجام دهد و تیم‌های ورزشی و ورزشکاران می‌توانند در خدمت یک ماشین تبلیغاتی ملی باشند که به معنای حمایت از روایت منفی باشد. از پیروزی‌های استاد بزرگ شطرنج بای فیشر (بر بوریس اسپاسکی در ۱۹۷۲) و تیم هاکی ایالات متحده (بر اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۰) برای حمایت از روایت جنگ سرد و نشان دادن برتری ایالات متحده بر اتحاد جماهیر شوروی استفاده شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰، دو واقعه رقابت بین هلند و آلمان در فوتبال برجسته شد که روابط را بدتر کرد.

بین دو ملت، احساسات ضد آلمان را در هلند احیا کرد. ابتدا، در سال ۱۹۸۸، رونالد کومان از پیراهن اولاف تون بازیکن آلمانی (بازیکنان فوتبال اغلب به دلیل قدردانی متقابل پیراهن را عوض می‌کردند) استفاده کرد تا حرکتی توهین‌آمیز انجام دهد، و دو سال بعد، میان فرانک رایکارد و رودی ولر در جام جهانی ۱۹۹۰ منجر به اخراج هر دو بازیکن از زمین شد. اینها مثال‌هایی هستند که در آنها ورزشکاران در تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی و شکاف‌های تاریخی نقش منفی دارند و بر روابط دوجانبه تأثیر می‌گذارد.

از این منظر، دعوت از دنیس رودمن (بازیکن سابق NBA توسط کره شمالی مورد جالبی است، نمونه‌ای آموزنده از قدرت ورزشکاران نخبه و همچنین پیچیدگی‌های داشتن یک نقش غیردیپلماتیک در یک نقش دیپلماتیک. این واقعیت که رهبر کره شمالی، کیم جونگ اون، مایل بود در سال ۲۰۱۳ یک تلویزیون تلویزیونی آمریکایی به کشورش و به زندگی او راه یابد، نتیجه محبوبیت بسکتبال است و رهبر جوان طرفدار بسکتبال NBA و ستاره آن و دنیس رودمن بود. از آنجا که در آن زمان هیچ رابطه رسمی دیپلماتیک بین ایالات متحده و کره شمالی وجود نداشت، اجازه دادن به یک ورزشکار آمریکایی و گروه تلویزیونی وی برای سفر به کره و اقدام به فیلم‌برداری و پخش آن و ارائه بینشی در مورد این کشور کمک بزرگی به دیپلماسی بود.

روش خلاقانه و موثر دیگر استفاده از هریک از ورزشکاران بعنوان سفیران ورزش، رویکرد ایالات متحده در زمینه اجازه استخدام بهترین ورزشکاران خارجی برای انجام ورزش‌های دانشگاهی در ایالات متحده است. اعطای کمک هزینه‌های تحصیلی و بورس تحصیلی ورزشی برای ورزشکاران خارجی برای تحصیل در کالج‌های آمریکایی نمونه‌های عالی تشویق مبادلات فرهنگی با استفاده از هر دو بستر ورزش و فرهنگ است. بیش از

۲۰۰۰ دانشگاه در ایالات متحده وجود دارد که در بسیاری از آنها بورس تحصیلی برای ورزشکاران ارائه می‌شود. از آنجا که مربیان تحت فشار هستند تا رقابتی‌ترین تیم‌ها را داشته باشند، آنها اغلب با بورسیه‌های ورزشی از خارج از کشور ورزشکار جذب می‌کنند. این ورزشکاران نخبه نه تنها تیم‌های کالج خود در ایالات متحده آمریکا را به پیروزی می‌رسانند، بلکه فرهنگ خاص خود را نیز به ارمغان می‌آورند. در طول یک دوره چهار ساله معمول، مشابه برنامه تبادل، ورزشکاران خارجی سفیر ورزش در کشورهای خود می‌شوند زیرا فرهنگ خود را با هم تیمی‌ها و سایر دانش‌آموزان به اشتراک می‌گذارند. در همان زمان، این ورزشکار خارجی نیز در ایالات متحده زندگی می‌کند، که بعنوان یک تجربه عالی آموزشی و فرهنگی خدمت می‌کند.

۶) از رویدادهای ورزشی می‌توان برای ایجاد میراثی برای کشور میزبان و بهبود چهره این کشور در جهان استفاده کرد.

ایجاد میراث یکی از دلایل متداول میزبانی یک رویداد بزرگ ورزشی است. برای کشورهایی که در تلاشند تا چهره خود را در خارج از کشور بهبود بخشند، سازماندهی یک رویداد ورزشی با موفقیت فرصتی بزرگ برای به نمایش گذاشتن نه تنها زمینه‌های سازمانی و سازمانی دولت است، بلکه به بازدید کنندگان و تماشاگران اجازه می‌دهد زیبایی‌های فرهنگی و جغرافیایی را مشاهده کنند. از کشور میزبان یکی از قدیمی‌ترین رویدادهای ورزشی در جهان، تور دوفرانس است که یک مسابقه دوچرخه‌سواری ورزشی سالانه است و همه ساله ملت را به جهانیان نشان می‌دهد. از آنجا که این ورزش از هوا بهتر دیده می‌شود، تور دوفرانس از هلی‌کوپترها استفاده گسترده‌ای می‌کند، که نه تنها دوچرخه‌سواران را به نمایش می‌گذارد، بلکه مناظر زیبا از مناظر فرانسه، شهرها و قلعه‌های تاریخی را نیز به نمایش می‌گذارد، و این رویداد بسیار مهم بوده است نقش در روند ساخت تصویر فرانسه در سراسر جهان داشت (Heere, 2012).

به همین ترتیب، رویدادهای بزرگ ورزشی، مانند المپیک و جام جهانی فیفا، اغلب برای نشان دادن پیشرفتی که یک کشور در حال توسعه داشته است مورد استفاده قرار گرفته است و می‌تواند دیدگاه‌های قدیمی‌تری را که بینندگان غربی، به ویژه، نسبت به ملت دارند تغییر دهد.

بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۶۴ در توکیو ممکن است اولین نمونه از این سنت باشد، اما سایر برگزار کنندگان مانند مکزیکو سیتی (بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۶۸ و جام جهانی فیفا ۱۹۷۰)، سئول (بازی‌های المپیک ۱۹۸۸)، بارسلونا (بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۹۲)، پکن (المپیک تابستانی ۲۰۰۸) و آفریقای جنوبی (جام جهانی فیفا ۲۰۱۰) همه برای نشان دادن شهر یا ملت میزبان خود بعنوان مقاصد مدرن با ارزش‌های پذیرفته شده جهانی مورد استفاده قرار گرفتند.

این رویدادهای معتبر همچنان بعنوان راهی برای نشان دادن قدرت سخت خود در نظر گرفته می‌شود، که ممکن است لزوماً چهره ملت را در سراسر جهان بهبود ندهد بلکه به سادگی نشان می‌دهد که آنها کشوری هستند که باید به حساب آورده شوند. این استفاده از رویدادهای ورزشی برای نشان دادن قدرت یک ملت از دیرباز بوده است، شاید از اوایل سال ۱۹۳۴، زمانی که موسولینی از جام جهانی فیفا برای نشان دادن برتری ایتالیا استفاده کرد، استراتژی که دو سال بعد توسط هیتلر در بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۳۶ تکرار شد. از آن زمان، کشورهایی مانند انگلستان (المپیک تابستانی ۱۹۴۸)، آرژانتین (جام جهانی فیفا ۱۹۷۸)، چین (بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۸)، ایالات متحده (بازی‌های تابستانی ۱۹۸۴)، بازی‌های المپیک زمستانی ۱۹۸۰ و ۲۰۰۲ و روسیه (بازی‌های تابستانی المپیک) از ۱۹۸۰ و المپیک زمستانی ۲۰۱۴ و قطر در ۲۰۲۲ همه از این رویدادها برای نشان دادن قدرت خود به بقیه جهان استفاده می‌کنند.

بازی‌های المپیک زمستانی سوچی، جدیدترین نمونه از چنین بلندپروازیهایی، پیچیدگی‌های مرتبط با تلاش برای استفاده از رویدادهای عظیم بعنوان ابزاری برای نشان دادن قدرت سخت و نرم را نشان داد. رویداد سوچی به جهانیان نشان داد که حتی در مواقع تنش بین‌المللی و تردید در مورد اهداف سیاست خارجی روسیه، رئیس‌جمهور پوتین می‌تواند از این رویداد برای اجرای سیاست خارجی از طریق چندین کانال استفاده کند (Simonyi & Trunkos, 2014). تا حدی این رویداد برای روسیه موفقیت‌آمیز بود. مسئله اصلی در جریان بازی‌های المپیک سوچی امنیت بود. رئیس‌جمهور پوتین باید اطمینان حاصل کند که با وجود تهدید درگیری‌های قومی داخلی، هیچ چیز امنیت تماشاگران و ورزشکاران را در این رویداد قطع نمی‌کند و این کار را با موفقیت انجام داد. با اجازه دادن به بازدیدکنندگان برای درک بهتر روسیه از طریق رویدادهای ورزشی، پرزیدنت پوتین دریچه‌ای را ایجاد کرد که تصور می‌کرد تصویری کاملاً کنترل شده از روسیه است و تصویری که حوزه انتخابیه خودش در روسیه از آن حمایت می‌کرد.

همچنین، موفقیت ورزشکاران روسی از روایت رستاخیز روسیه بعنوان یک قدرت جهانی حمایت کرد. با این وجود، علیرغم موفقیت‌ها، سوچی برای روسیه گران شد. همانطور که در رویدادهای دیگر نیز این کار را کرده بودند، رسانه‌های جهانی بر حقوق بشر ضعیف جامعه LGBT در روسیه و فاجعه زیست محیطی که سوچی ممکن است برای منطقه ایجاد کند، تأکید کردند. هزینه‌های گزاف این رویداد نشان داد که قدرت پوتین بر نخبگان شرکت‌ها در کشورش چقدر کم است. علاوه بر این، هر نوع حسن‌نیتی که سوچی در سراسر جهان ایجاد می‌کرد یک سال بعد، زمانی که روسیه تصمیم گرفت به شبه جزیره کریمه حمله کند و از جناح طرفدار روسیه در اوکراین حمایت کند، از بین رفت.

۷) از ورزش می‌توان برای تأمین مشروعیت یک ملت جدید استفاده کرد.

همانطور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، رویدادهای ورزشی بین‌المللی توجه میلیون‌ها نفر از جمله طرفداران ورزش و رهبران سیاسی را به خود جلب می‌کند. از این مرحله جهانی می‌توان برای دستیابی به نتایج ذکر شده قبلی استفاده کرد، اما همچنین می‌تواند بعنوان بستری برای مبارزه نمادین برای استقلال سیاسی یک کشور مورد استفاده قرار گیرد. بعنوان مثال، فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش معمولاً فرصتی را برای سرزمین‌هایی فراهم می‌کنند که آرزو دارند دولت‌های ملی مستقل شوند و زیر پرچمی رقابت کنند که ممکن است در واقع نماینده کشور حاکم فعلی نباشد. بعنوان مثال، سال‌هاست که بین جمهوری خلق چین و تایوان تنش سیاسی وجود دارد. تایوان برای استقلال سیاسی خود از چین می‌جنگد. در نتیجه مذاکرات سیاسی و تصمیم IOC در سال ۱۹۸۰، تیم‌های ورزشی تایوان اکنون مجاز به رقابت با پرچم چین تایپه، جدا از پرچم چین هستند. این راه‌حل برای بسیاری از مسابقات بین‌المللی ورزشی مانند بازی‌های المپیک، کلاسیک بیس بال جهانی و جام جهانی فیفا پذیرفته شده است.

این نه تنها یک پیروزی سیاسی برای تایوان است بلکه به ورزشکاران تایوانی نیز اجازه می‌دهد تا احساسات خود را در مورد استقلال ابراز کنند و این فرصت را برای ورزشکاران فراهم می‌کند تا در بازی‌ها با چین رقابت کنند. به همین ترتیب، در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، اسرائیل بطور فعالانه از ورزش در تلاش برای ۴۳ به رسمیت شناختن بین‌المللی ملت خود استفاده کرد (Galily & Ben-Porat, 2019).

حتی اگر یک تلاش خاص ناموفق باشد، ورزش هنوز هم می‌تواند اشغال یک ملت توسط ملت دیگر را روشن کند. بازی واترپلو مجارستان در مقابل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در بازی‌های المپیک ۱۹۵۶ ملبورن مثال خوبی در این زمینه بود. مجارستانی‌ها در اکتبر سال ۱۹۵۶ علیه ظلم و ستم اتحاد جماهیر شوروی قیام کردند اما در یک جنگ خونین شکست خوردند. در اواخر سال، تیم ملی مجارستان در بازی‌های المپیک به مصاف تیم شوروی رفت و مجارها به پیروزی رسیدند. در حالیکه پیروزی ورزشی تیم مجارستان منجر به برخورد بهتر مجارها در خانه نشد، اما پس از حوادث خونین انقلاب، همدلی میلیون‌ها هوادار ورزش را به دست آورد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله این سوال مطرح بود که چگونه کشورها می‌توانند از رویدادهای ورزشی بین‌المللی برای تقویت روابط بین‌المللی خود استفاده کنند؟ تأکید در این بحث بر ابزارهایی است که دولت‌ها در اختیار دارند. دیپلماسی ورزشی تحت دیپلماسی عمومی قرار دارد، که برای بهبود روابط میانی و بلندمدت بین دولت‌ها از

طریق تأثیرگذاری بر عموم مردم در خارج برای تحقق اهداف سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد از طریق بررسی اهداف مختلف سیاست خارجی که در دیپلماسی چندجانبه متداول است، در مورد تأثیر ورزش بعنوان بستری برای دیپلماسی می‌توان بیان داشت که متداول‌ترین اهداف استراتژیک عبارتند از: الف) ارائه دلیل و مکان غیررسمی برای دیدار و آغاز گفتگو برای رهبران بین‌المللی؛ ب) ارائه بینش در مورد کشور میزبان و آموزش دیگران در مورد آن؛ ج) از بین بردن اختلافات فرهنگی و زبانی بین ملت‌ها و جستجوی نقاط مشترک از طریق ورزش؛ د) ایجاد بستری برای توافق‌نامه‌های جدید تجاری یا قانونگذاری؛ ه) ایجاد آگاهی برای روابط بین‌الملل از طریق سفیران ورزشی؛ و) ایجاد میراث برای کشور میزبان، بهبود وجهه آن در جهان؛ ز) استفاده از ورزش برای تأمین مشروعیت یک کشور جدید.

بنابراین این پژوهش روش‌های مختلفی را که دولت‌ها می‌توانند از ورزش بعنوان یک ابزار سیاست بین‌المللی استفاده کنند، ترسیم کرد. این پژوهش تصدیق می‌کند که ورزش می‌تواند تأثیر منفی و مثبتی بر جامعه بگذارد، و در این پژوهش سعی شد برخی از بهترین و بدترین نمونه‌ها را از نحوه استفاده ورزش توسط رژیم‌های سیاسی به نمایش بگذارد. رویدادهای ورزشی، ورزشکاران و تیم‌ها می‌توانند چهره‌ای به ملت و ابزار مفیدی برای استفاده از قدرت نرم خود و نمایش قدرت سخت خود اما فقط در صورت استفاده صحیح از آن به جهانیان ارائه دهند، در دنیای پیچیده و پر سرعت امروز و مبتنی بر فناوری، باید از هر فرصتی برای ارتقا تصویر مثبت یک کشور در خارج استفاده شود و سیاستمداران دانا با نحوه استفاده از ورزش متناسب با اهداف خود، به خوبی می‌توانند به کشور خود خدمت کنند. قرار دادن کانون توجه یک ملت از طریق ورزش می‌تواند سودمند باشد و توجه جهانی را به تغییرات مثبت جلب کند.

سئول از المپیک تابستانی برای بهبود روابط خود با اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای نیمکره خود استفاده کرد. بارسلونا از بازی‌های المپیک تابستانی استفاده کرد تا نشان دهد که دیگر تحت بار میراث فرانکو نیستند و یک مقصد گردشگری جذاب در اروپا هستند. با این حال، رویدادها همچنین می‌توانند منجر به تأکید بر مسائل داخلی بزرگتر شوند که یک ملت را به چالش می‌کشد. آتن یک مثال جذاب ارائه کرد که به دلیل روابط تاریخی‌اش با المپیک، میزبان مناسبی برای این رویداد بود. با این حال، در ابتدای کار، رسانه‌های جهانی اغلب بر عدم پیشرفت در ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز تأکید می‌کردند. هزینه‌های بالای سازماندهی این رویداد همچنین یک بار اقتصادی بر دوش ملت بود که یک دهه بعد به فروپاشی اقتصادی آن کمک کرد. ورزش در زندگی روزمره ما نقش بسیار زیادی دارد و مانند سایر پدیده‌های فرهنگی جهانی مانند موسیقی محبوب، غذا و رقص، ورزش نیز یک زبان جهانی است که همه به آن صحبت می‌کنند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۳۸۶)، «منافع ملی و استراتژی آمریکا در آسیای مرکزی»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، ش ۷.
- ۲- بخشی، جواد (۱۳۹۱)، «بررسی زمینه‌های (فرصت‌های) قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و ارائه راهکارها»، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح-IPSC*
- ۳- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب»، *نشریه دانش سیاسی*، دوره ۱۵، ش ۱.
- ۴- فرهادی، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۸۷)، *درک قدرت نرم با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- ۵- نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، «درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، س ۸، ش ۲۸.
- ۶- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم و ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه: سیدمحمد روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

لاتین:

- 7- Chalip, L (2006). Toward a distinctive sport management discipline. *Journal of Sport Management*, No.20, 1-21.
- 8- Cull, N. J (2018). Public diplomacy: Taxonomies and histories. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, No.616, 31-54.
- 9- Deutsch, K. W (1967). On the concepts of politics and power. *Journal of International Affairs*, No.21, 232-241.
- 10- Galily, Y and Ben-Porat, A (2019). *Sport, politics and society in the land of Israel: Past and present*. New York, NY: Routledge.
- 11- Giffard & Rivenburgh (2000). News agencies, national images, and global mediaevents. *Journalism & Mass Communication*, No.77, 8-21.
- 12- Heere, B and others (2012). The impact of World Cup 2002 on the bilateral relationship between South Korea and Japan. *Journal of Sport Management*, No.26, 127-142.
- 13- Kissinger, H (1994). *Diplomacy*. New York, NY: Simon & Schuster Paperbacks.
- 14- Morgenthau, H (1948). *Politics among nations: The struggle for power and peace*. New York, NY: Alfred A Knopf.
- 15- Nye, J (1990). *Bound to lead: The changing nature of American power*. New York, NY: Basic Books.

- 16- Pigman, G. A (2010). *Contemporary diplomacy. Representation and communication in a globalized world*. Cambridge, UK: Polity.
- 17- Potter, E. H (2020). *Cyber-diplomacy: Managing foreign policy in the twenty-first century*. Montreal and Kingston: McGill-Queen's University Press.
- 18- Rose, A. K and Spiegel, M. M (2011). Do mega sport events promote international trade? *SAIS Review of International Affairs*, No.31, 77-85.
- 19- Simonyi, A and Trunkos J. (2014). How Putin stole our smart power. Huffington Post. Retrieved from: [http://www.huffingtonpost.com/andras-simonyi/how-putin-stole-our-smart b 5504985.html](http://www.huffingtonpost.com/andras-simonyi/how-putin-stole-our-smart-b-5504985.html)
- 20- Cox, E (2007). New faces from abroad: Exchange students bring different cultural perspectives to gorge. The Dalles Chronicle. Retrieved from: <http://nl.newsbank.com>
- 21- Pinedo, D and Versteegh, K (2014). Debat Sotsji maakt positive koning WillemAlexander kwetsbaar. NRC Handelsblad. Retrieved from <http://www.nrc.nl/nieuws/2014/01/15/debat-sotsji-maakt-positie-koning-willem-alexander-kwetsbaar>

